

ضرورت دستیابی به درکی عمیق تر

از شرایط کار و زندگی زحمتکشان ایران

در سال های اخیر در سراسر کشور شاهد گسترش چشم گیر اعتراضات کارگری بوده ایم که عموماً خصلت دفاعی دارند و نشان دهنده تحمل ناپذیر شدن زندگی برای اکثریت قاطع کارگران و زحمتکشان. همچنین تردیدی نمی توان داشت که اکنون در مقایسه با مثلاً دو دهه پیش ، غالب فعالان کارگری و چپ به شناخت و درک بهتر و پخته تری از مسائل مبارزات طبقاتی و مخصوصاً منطق کار توده ای دست یافته اند. اما به جرأت می توان گفت که غالب ما هنوز شناخت دقیق و قابل اتکایی از شرایط کار ، زندگی و حتی مسائل مبارزات زحمتکشان کشور خودمان نداریم و برخوردهای مان با این مسائل از سطح افشاگری های کلی فراتر نمی رود. با توجه به این ضعف غیر قابل انکار بود که "کمیته کارگری" سازمان ما به این نتیجه رسید که جنبش چپ بدون تمرکز روی شناخت دقیق تری از شرایط کار و زندگی اقشار مختلف کارگران و زحمتکشان کشور ، نمی تواند "پار شاطری" برای سازمانیابی توده ای و آگاهانه طبقه کارگر ایران باشد. یادداشتی که در زیر می آید ، فراخوانی است برای تلاش متمرکز در این راستا که توسط "کمیته کارگری" ما تنظیم شده و در بحث های کنگره بیست و دو توصیه شد که انتشار بیرونی آن می تواند یادآوری مفیدی باشد برای فعالان کارگری و همه آنانی که دل شان در همبستگی با طبقه کارگر می تپد.

هیأت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

منتخب کنگره بیست و دوم

ضرورت دستیابی به درکی عمیق تر از شرایط کار و زندگی زحمتکشان ایران

برای آن که بتوانیم از برخوردهای صرفاً افشاگرانه و واکنشی به مبارزات و مطالبات جنبش کارگری فراتر برویم و به درکی استراتژیک از مسائل سازمانیابی طبقه کارگر ایران دست یابیم ، بی تردید باید حد اقل ، مسائل و شرایط کار و زندگی بخش های مختلف کارگران و البته ترکیب لایه های مختلف این طبقه را بشناسیم. با توجه به محدودیت امکانات و توانایی های کنونی ، در آغاز کار بهتر است بخش های مختلف کارگران را بر مبنای مطالبات و مسائلی که هم اکنون مطرح می شوند (و ما از طریق اخبار و گزارش های روزمره از آنها اطلاع پیدا می کنیم) به دقت طبقه بندی بکنیم تا بشود از طریق رصد کردن خواست های مبرم خود آنها ، میزان دوری و نزدیکی و اشتراکات آنها را با هم دیگر بشناسیم. این طبقه بندی می تواند مثلاً بر مبنای معیارهای زیر صورت بگیرد:

۱ - **صنف یا رشته اقتصادی.** مثلاً می توان کارگران حمل و نقل را به عنوان یک بخش در نظر گرفت و هر یک از زیر مجموعه های این بخش را نیز ، بر مبنای پیوندها و اشتراکات واقعی شان ، دقیقاً شناسایی و از هم متمایز کرد : مثلاً کارگران حمل و نقل شهری ، بین شهری ، کارگران اتوبوس رانی ، تاکسی رانی ، کارگران راه آهن ، کارگران خطوط هوایی و غیره. طبقه بندی بر مبنای صنف به ما امکان می دهد که دوری و نزدیکی (رسته ای یا جغرافیایی) بخش های مختلف کارگران هر رشته را دریابیم و امکانات ارتباط گیری آنها را واقع بینانه ارزیابی کنیم. بنابراین در بررسی کارگران هر صنف همیشه باید در نظر داشته باشیم که ما دنبال تحقیق تجربیدی نیستیم ، بلکه می خواهیم ببینیم که مثلاً تلاش کارگران حمل و نقل برای سازمانیابی ، با شروع از کجا ها می تواند سرکوب ها و کارشکنی های رژیم را عقب بزند و به شکل گیری تشکل سراسری (یا فدراسیون) این صنف بیانجامد.

مثلاً به عنوان نمونه ، می توانیم بررسی کنیم که اگر تشکل های مستقل اتوبوس رانی ده شهر بزرگ کشور باهم ارتباط بگیرند ، چقدر می توانند شکل گیری تشکل سراسری این صنف را شتاب بدهند و عملی سازند ، یا دست کم ، چقدر می توانند در همسو کردن مطالبات آنها کارساز باشند.

۲ - طبقه بندی بر مبنای داغ ترین و شایع ترین خواست ها در حرکت های کارگری. مثلاً می دانیم که حالا داغ ترین و شایع ترین خواست در بیشترین حرکت های اعتراضی کارگران ، پرداخت حقوق معوقه است. برای دست یابی به درک روشن تری از علل تأخیر در پرداخت حقوق کارگران و بنابراین جهت یافتن راه های کارآمدتری برای مبارزه با این مصیبت ، می توانیم بخش های گوناگون کارگرانی را که با این مصیبت دست به گریبانند ، طبقه بندی کنیم. از این طریق می توانیم مشترکات شرایط کار و وجه مشترک کارفرمایان این کارگران را که غالباً هم به صنف واحدی تعلق ندارند ، شناسایی کنیم. مسلم است که چنین شناختی می تواند در مقابله با این ظلم بی شرمانه و همچنین در تقویت ارتباطات میان بخش های مختلف کارگران گرفتار این مصیبت و نیز تقویت شرایط مناسب برای گسترش سازمانیابی آنان کارساز باشد.

۳ - طبقه بندی بر مبنای چگونگی برخورداری کارگران از پوشش های قانونی. می دانیم که برخورداری از پوشش قانونی برای کارگران بسیار مهم است و قدرت چانه زنی آنها را بالا می برد و نیز می دانیم که بخش اعظم کارگران حالا از پوشش های قانونی لازم برخوردار نیستند و بنابراین در مقابل زورگویی های کارفرما کاملاً بی دفاع هستند و یا موقعیت بسیار شکننده ای دارند. با توجه به این مسأله ، لازم است کارگران را بر مبنای چگونگی برخورداری شان از حمایت های قانونی طبقه بندی کنیم تا بررسی مقایسه ای از شرایط سازمانیابی و اشکال حرکت هر بخش از آنها امکان پذیر گردد. مثلاً کافی است توجه داشته باشیم که یکی از دلایل سازمانیابی بهتر معلمان کشور ، این است که غالب آنها زیر پوشش قانون استخدام کشوری هستند. با همین قیاس می توانیم درک روشن تری از تفاوت در مسائل و شرایط سازمانیابی مثلاً کارگران موقت و کارگران برخوردار از استخدام دائم داشته باشیم.

۴ - طبقه بندی کارگران بر مبنای چگونگی واکنش های آنها در مقابل دشواری ها و نیز اشکال مبارزاتی شان. مثلاً بسیار مهم است در یابیم که کارگران موقت در مقابل کارفرما و بی حقی های کار و زندگی شان چگونه اعتراض می کنند و کارگران غیر موقت چگونه ؛ یا کارگرانی که از طریق شرکت های واسطه (یا دلالان کار) استخدام می شوند ، در طرح خواست ها و اعتراض های شان با چه مسائلی روبرو هستند. برای روشن شدن جنبه دیگری از همین مسأله ، همچنین می توانیم بخش های مختلف کارگران را برحسب کارفرمایان شان طبقه بندی کنیم. مثلاً کارگرانی که در بخش دولتی کار می کنند ؛ آنها که در بخش خصوصی کار می کنند و به ویژه آنهایی که در بخش "خصوصی" کار می کنند که کارفرما به "ملاء اعلی" متصل است.

۵ - طبقه بندی کارگران بر مبنای میزان تمرکز در محیط کار یا آسانی و دشواری ارتباط گیری با همکاران و هم صنف های شان. می دانیم که اشتغال در محیط کار بزرگ ، معمولاً شرایط مساعدی برای اقدام جمعی کارگران به وجود می آورد ، و در عین حال می دانیم که مثلاً معلمان در محیط کار خیلی بزرگی اشتغال ندارند ، اما از ظرفیت های ارتباط گیری بیشتری برخوردارند ؛ چرا؟ این طبقه بندی به ما کمک می کند که دریابیم شرایط مناسب برای شکل گیری اقدام جمعی کارگری چگونه می تواند فراهم آید و چگونه می توان بر ضعف های ناشی از پراکندگی محیط های کار فائق آمد.

۶ - طبقه بندی پاتوق ها و مکان های اجتماع ، ارتباط و ساعات فراغت کارگران. کدام بخش از کارگران کجاها هم دیگر را می بینند؟ کدام پاتوق های کارگری اختصاص به یک صنف معین ندارند و در واقع مراکزی هستند که می توانند مرکز ارتباط و اتصال کارگران بعضی صنف های کارگری باشند. طبقه بندی تفریحات کارگری و تفریحات خاصی که بعضی از صنف های کارگری یا بعضی از مناطق کارگرنشین می توانند داشته باشند.

۷ - شناسایی سهم و وزن نیازهای پایه ای کارگران در هزینه های خانوار کارگری. تردیدی نیست که شناخت دقیق از جایگاه مزد و حقوق ، در خواست ها و حرکات های کارگری بیشترین اهمیت را دارد. اما شناخت دقیق تر از این مسأله بدون درکی روشن از جایگاه "مزد اجتماعی" معمولاً ناممکن است. برای ارزیابی قابل اتکاء از وضع معیشت هریک از بخش های گوناگون طبقه کارگر ، باید دید چه بخش از درآمد آنها صرف کدام نیاز پایه ای می گردد. مثلاً سهم مسکن ، بهداشت ، آموزش ، پوشاک ، خورد و خوراک و حمل و نقل در مجموع هزینه های خانوار چیست؟ این کار را می شود مثلاً از مورد بخش های مختلف کارگران شهرهای بزرگ (که آمار بیشتری در باره شان وجود دارد) شروع کرد؟

۸ - تلاش برای دستیابی به اطلاعات هرچه بیشتر و قابل اتکاءتر در باره شرایط کار و زندگی و خواست های پایه ای کارگران واحدهای کوچک و دست یابی به طبقه بندی منظم آنها بر مبنای شغل یا صنف های آنان. در کشوری که بخش اعظم نیروی کار آن در واحدهای کوچک و پراکنده کار می کنند ، هر صحبتی در باره سازمانیابی طبقه کارگر بدون شناخت وضع آنها ، آب در هاون کوبیدن است.

۹ - دستیابی به شناخت قابل اتکاء از شرایط کار زنان کارگر. می دانیم که با کالایی شدن هرچه بیشتر زندگی اجتماعی و نیز با دشوارتر شدن شرایط برای خانواده های فقیر تک نان آور (مخصوصاً در شهرهای بزرگ) زنان بیشتری ناگزیر به کار مزدی می شوند. اما در شرایط امروز ایران بخش اعظم این زنان ، حتی در آمارهای تجریدی نیز کارگر محسوب نمی شوند و بنابراین عملاً هیچ شناخت قابل اعتنایی از وضعیت کار این بخش از کارگران در دسترس نیست. به همین دلیل یکی از مهم ترین کارهایی که فعالان کارگری باید انجام بدهند ، تمرکز روی مسائل این بخش از کارگران است تا تصویری روشن از چگونگی ارتباط گیری و سازمانیابی آنان به وجود بیاید. فراموش نباید کرد که جنبش چپ بدون حد بسیار چشم گیری از زنانه شدن نمی تواند احیاء شود و دوباره در پیش صحنه پیکارهای طبقاتی جا بگیرد ؛ اما زنانه تر شدن جنبش چپ ، بدون نقش فعال تر زنان در جنبش کارگری نمی تواند پایه محکمی داشته باشد.

۱۰ - شناخت قابل اتکایی از شرایط زندگی بازنشستگان کارگر و مسائل و خواست های آنان.

۱۱ - شناخت قابل اتکاء از زندگی و شرایط کار "کودکان کار" که حالا به صورت یک بحران اجتماعی بزرگ و مصیبت بار درآمده است.

۱۲ - طبقه بندی زحمتکشان غیر مزدبگیر. می دانیم بخش بزرگی از مظلوم ترین و محروم ترین بخش طبقه کارگر ما کسانی هستند که کار مزدی هم نمی کنند ، ولی غالب آنها عملاً "زیر کارگر" هستند. این مسأله البته به ایران هم محدود نمی شود ، بلکه اکنون در همه جای دنیا و به خصوص کشورهای پیرامونی سرمایه داری ، بخش اعظم پرولتاریا را "پره کاریا" تشکیل می دهد ؛ یعنی آنهایی که وضع شان بسیار بسیار شکننده تر و جهنمی تر از وضع پرولتاریای (به اصطلاح) "دوره ویکتوریایی" است. در کشور ما حالا مسأله دستفروشان در شهرهای بزرگ بسیار پررنگ شده ، اما فراموش نکنیم که اینها فقط بخش کوچکی از جمعیت بزرگ "زیرکارگر" هستند.

۱۳ - **طبقه بندی بیکاران.** می دانیم که در ایران امروز بیکاری بسیار گسترده است ، ولی باید به یاد داشته باشیم که برخورد فله ای با بیکاران می تواند بسیار گمراه کننده باشد. و همچنین باید به یاد داشته باشیم که با بی توجهی به وضع بیکاران ، یعنی "ارتش ذخیره کار" ، قدرت چانه زنی و سازمانیابی کارگران پائین می آید.

۱۴ - **طبقه بندی بخش هایی از کارگران را که نقداً می توانند با خواست تأمین اجتماعی به میدان بیایند و مبارزه برای این خواست حیاتی و متحد کننده را در مقیاسی بزرگ راه اندازی کنند.**

یادآوری چند نکته

- لازم است به یاد داشته باشیم که وظیفه این یادداشت صرفاً تأکید بر ضرورت کار عمقی است و پیشنهادهایی که در بالا آمده اند فقط به عنوان نمونه باید نگریسته شوند. به عبارت دیگر ، لازم نیست دقیقاً روی همین موارد کار بکنیم ، می توانیم (و به احتمال زیاد در عمل ناگزیر خواهیم شد) روی موارد دیگری هم متمرکز شویم که در اینجا نیامده اند.
- بعضی از فقرات یاد شده در بالا با همدیگر تداخل دارند. بنابراین فقط با توجه به فقرات مختلف است که می توان به تصویر روشن تری از واقعیت عینی دست یافت.
- مطالعه روی آمارهای رسمی یا آمارهایی که با روایت های ضد و نقیض در رسانه های مختلف انتشار می یابند (خواه از طرف مسئولان خود رژیم یا محققانی که روی مسائل کارگری کار می کنند) می تواند کار روی این طبقه بندی ها را غنی تر سازد.
- معمولاً هیچ کس به تنهایی نمی تواند روی همه این حوزه ها به طور همه جانبه کار کند ، بنابراین بهتر است مطالعه روی این مسائل را به صورت گروهی پیش ببریم ، با تقسیم کاری که پرداختن به مطالعه تخصصی را آسان تر سازد و ضمناً مبادله اطلاعات مربوط به حوزه های همجوار را امکان پذیر کند ، تا جهت و هدف کار گم نشود و نتیجه گیری به موقع و دوره ای از این مطالعات امکان پذیر گردد.
- می شود و بهتر است کار طبقه بندی را از مبرم ترین موارد مطرح در جنبش کارگری آغاز کرد و به ترتیب اولویت ، کار را گسترده تر و عمیق ساخت.